



بررسی تطبیقی حقوق و تعهدات طرفین پروانه بهره‌برداری از میدان‌های نفتی در ایران، نروژ و انگلستان

محمدرضا افشاری*

حقوق نفت و گاز، استادیار دانشگاه صنعت نفت، دانشکده نفت تهران، ایران،

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۲

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۱/۲۹

چکیده

ذکر عنوان پروانه بهره‌برداری در قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت می‌تواند ساختار جدیدی را برای واگذاری میدان‌های نفت و گاز کشور ایجاد نماید اما از آنجایی که در قانون به تعریف و چگونگی اعطای پروانه، مابه‌ازای آن و تعهدات دارنده اشاره‌ای نشده است، در این تحقیق برای جبران این خلأ، عنوان پروانه آن‌طور که در نظام حقوقی معادن ایران و حقوق نفت و گاز کشورهای چون نروژ و انگلستان آمده است، بررسی شده و بنا بر ضرورت ایجاد تنوع و انعطاف در مدل واگذاری و بهره‌برداری سریع‌تر از منابع نفتی با توجه به شرایط میدان‌های کشور و پیش‌بینی در مورد افزایش اقبال به انرژی‌های پاک، نتیجه حاصله نمایانگر تأثیر مثبت استفاده از پروانه مشروط به ایجاد تغییراتی در قوانین و تهیه آیین‌نامه خاص با ذکر دقیق تعهدات دارنده و ضمانت اجرای هر یک و تأمین زیرساخت‌های لازم جهت نظارت و اعمال آن‌ها است.

واژگان کلیدی: انگلستان، پروانه، معدن، نروژ، نفت و گاز، وزارت نفت

E-mail: m.afshari@put.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:



Copyright© 2024, the Authors | Publishing Rights, ASPI. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution- NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms



۱. مقدمه

قانون‌گذار در قسمت ۵ بند پ ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، تنها به ذکر نام پروانه بسنده کرده^۱ و نه تنها تعریفی از آن ارائه نکرده بلکه در مورد وظیفه ارائه تعریف یا نگارش آیین‌نامه توسط نهاد متولی نیز سخنی نگفته است. در چنین شرایطی برای فهم موضوع راهی جز بررسی مفاهیم مشابه داخلی و خارجی برای تبیین مقصود قانون‌گذار وجود ندارد. آنچه در داخل به پروانه بهره‌برداری نفت شباهت دارد، مواردی است که در قانون معادن و آیین‌نامه آن راجع به پروانه اکتشاف و تولید از معادن مطرح شده و آنچه در خارج می‌توان مشابهت‌یابی نمود، عنوان لایسنس^۲ است که به پروانه ترجمه شده است. هدف نویسنده در تطبیق و تحلیل مطالب صرفاً توجه به منافع ملی و از دست ندادن فرصت‌ها و بیان مسائل حقوقی مربوط به آن‌ها است، بدون اینکه به دنبال تقویت جایگاه وزارت نفت به عنوان متصدی صدور پروانه و یا تغییر در وضعیت شرکت ملی نفت به عنوان دارنده انحصاری پروانه باشد. ادبیات حقوقی ویژه نفت و گاز در ارتباط با پروانه از منظر تحقیقات دانشگاهی و پژوهشی فقیر است و تاکنون جز موارد معدود، این مطلب توسط حقوق‌دانان متخصص حوزه نفت و گاز بررسی نشده^۳ بنابراین نوشته حاضر هم از نظر موضوع، هم از لحاظ ساختار تحقیق و جنبه‌های تطبیقی دارای نوآوری است.

تحقیق به دنبال پاسخ به سه پرسش اصلی است. نخست اینکه پروانه چیست و استفاده از آن در نظام حقوقی ما چه ضرورتی دارد؟ دوم اینکه مابه‌ازا و ماحصل اعطای پروانه برای طرفین چه چیزی است؟ به بیان دیگر با اعطا و دریافت پروانه، هر

۱. صدور مجوز فعالیت و پروانه بهره‌برداری برای اشخاص حقوقی واجد صلاحیت برای اکتشاف، توسعه، استخراج و تولید از کلیه میدان‌های نفت و گاز کشور

2. license

۳. پایان‌نامه «ماهیت و آثار حقوقی پروانه نفتی در تنظیم روابط بین کشور میزبان، شرکت بین‌المللی نفتی و شرکت ملی نفت» نوشته سید علیرضا طباطبایی بافقی دانشکده حقوق دانشگاه تهران. ۱۳۹۳



کدام از طرفین چه چیزی به دست می‌آورند؟ و نهایتاً تعهدات هر یک از طرفین در ارتباط با پروانه و ضمانت اجرای نقض آن‌ها چیست؟ بر اساس پرسش‌های مطرح‌شده، پس از بیان مقدمه، به ترتیب در قسمت اول نوشتار، تعریف پروانه، انواع و ضرورت استفاده از آن در نظام حقوقی نفت و گاز کشور، در قسمت دوم دستاورد دولت میزبان و دارنده پروانه در نتیجه واگذاری منابع نفتی از طریق پروانه و در قسمت سوم تعهدات مهم طرفین و ضمانت اجرای نقض آن‌ها بررسی و تحلیل می‌گردد. در هر قسمت، جهت تبیین بهتر مطالب، مواردی که می‌توان از الگوی پروانه در بخش معادن برای استفاده در نفت و گاز بهره گرفت، با آنچه در حقوق نفت و گاز نروژ و انگلستان مشابه با عنوان پروانه دانسته شده است، به صورت تطبیقی تحلیل و پس از بیان وجوه اشتراک و افتراق، نکات مثبت و کارآمد هر سه نوع نظام جهت استفاده در اصلاح قوانین، نگارش آیین‌نامه و محتویات پروانه نفت و گاز ارائه می‌گردد.

۲. تعریف، انواع و ضرورت‌های استفاده از پروانه در صنعت نفت و گاز

این قسمت با تعریف پروانه آغاز شده و پس از بیان انواع آن، به دلایل استفاده از آن در نظام حقوقی کشور می‌پردازد.

۲-۱. تعریف و ماهیت پروانه

اولین موضوع در ارتباط با پروانه نفت و گاز، ارائه تعریفی از آن است. با توجه به خلأ قانونی در مورد تعریف پروانه بهره‌برداری نفت، می‌توان از تعریف قانون معدن در این زمینه الهام گرفت. ماده ۹ ق. معادن مصوب ۱۳۷۷ و اصلاحات بعدی، پس از الزام بهره‌برداران از معادن به اخذ مجوز بهره‌برداری از وزارت صمت، پروانه بهره‌برداری را این‌گونه تعریف می‌کند: «سندی رسمی، لازم‌الاجرا، قابل معامله، تمدید و توثیق است که متضمن حق انتفاع دارنده پروانه از ذخیره معدنی مندرج در پروانه و نیز دربردارنده تعهدات وی در اجرای مفاد آن می‌باشد. مدت هر دوره بهره‌برداری حداکثر تا بیست و پنج



سال است». یقیناً مواردی از این تعریف در مورد پروانه بهره‌برداری از میدان‌های نفت و گاز به راحتی قابل استفاده نیست از جمله عبارت قابل معامله مگر اینکه منظور قابلیت انتقال پروانه باشد که آن هم در صنعت نفت و گاز اقتضائات خاص خود و نیاز به تأیید مقام مسئول دارد. همچنین عبارت حق انتفاع^۴ نیز برای استفاده در پروانه نفت تا حدی مبهم است و این ابهام تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری دارد زیرا اجازه استفاده از میدان نفتی نه به معنای مالکیت محصولات آن است و نه به معنای سهم شدن در عواید آن. ضمن اینکه لازمه حق انتفاع، ماندگاری مال مورد انتفاع است در حالی که در مورد میدان نفتی، انتفاع به معنی برداشت خواهد بود و برداشت هم به اتمام ذخیره می‌انجامد. با توجه به وجود دو اراده برای شکل‌گیری توافق و اعطای پروانه، مانعی در قرارداد شمردن آن نیست. ضمناً باید گفت نقش دولت در اعطای پروانه و وجود قالب از پیش تعیین‌شده آن، وصف قراردادی آن را زایل نمی‌سازد؛ زیرا الحاقی بودن این قراردادها، آن را از زمره عقود خارج نمی‌سازد (امینی نسب، ۱۳۹۸، ۶).

آنچه به عنوان لایسنس در حقوق برخی کشورها وجود دارد، شکل مدرن قراردادهای امتیازی است (Hughes, 2016: 281). در نوژ پروانه تولید، با عنوان امتیاز تعریف شده است^۵ (Production licenses, 2023). در این روش، دولت میزبان حق اکتشاف، تولید و سپس مالکیت را به شرکت چندملیتی در بخشی از قلمرو خود واگذار کرده و در ازای آن مواردی همچون پاداش امضا، حق الارض یا بهره مالکانه و مالیات دریافت می‌کند. امروزه با تغییراتی که در جهت منصفانه کردن و افزایش رضایت طرفین در این روش به کار رفته، علاوه بر کشورهای درحال توسعه، برخی کشورهای توسعه‌یافته نیز از این روش بهره می‌گیرند. زیرا موارد زیادی در آن‌ها

۴. حق انتفاع عبارتست از حقی که به موجب آن، شخص اجازه دارد از مالی که در تملک شخص دیگری بوده و یا مالک خاصی ندارد استفاده نماید.

5. A production licence is a concession which grants exclusive rights to conduct exploration drilling and production of oil and gas within a delimited area on the Shelf.



لحاظ گردیده که یا در مدل امتیازی سابق نبوده یا به طور اساسی تغییر کرده‌اند و این موجب شده تا نفع کشورهای میزبان بیشتر مدنظر قرار گیرد. در این شیوه غالباً حق فروش هم به شرکت‌های چندملیتی داده شده و دولت‌های میزبان ارتباط مستقیمی با بازار ندارند. مثال این مورد لایسنس ابوظبی یا انگلستان است که حق اکتشاف تا فروش را به دارنده پروانه اعطا می‌کند (Hughes, 2016, 282). در مدل لایسنس سادگی امتیازهای قبلی به پیچیدگی تبدیل شده و جزئیات آن به حدی افزایش یافته که علاوه بر رعایت پروانه توسط دارنده، الزام به رعایت مقررات دولت میزبان هم وجود دارد.

جمع بین مطالب این قسمت در تعارض با نظر برخی نویسندگان است که معتقدند پروانه ابزاری غیر از قرارداد است و در کنار قراردادهای نفتی که مظهر بعد تصدی‌گرایانه رابطه بین دولت‌های میزبان و شرکت‌های نفتی بین‌المللی است، پروانه نفتی ابزار محافظت از نظم عمومی کشور میزبان است (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۱). زیرا چه در حوزه معادن ایران و چه در کشورهایمانند نروژ و انگلیس، قراردادی هم موضوع با پروانه و در راستای آن، حتی با اهداف مختلف وجود ندارد. از نظر نویسنده می‌توان پروانه را قراردادی^۶ دانست که به موجب آن، یک طرف (دارنده پروانه) مالک محصول استخراج شده یا عواید فروش آن از منطقه معین در مدت زمان معین در ازای پرداخت مبالغ مختلف به طرف دیگر (دولت) در چهارچوب رعایت قوانین مربوطه می‌شود.

۲-۲. انواع پروانه

پروانه در کشور انگلستان دارای انواعی است از جمله پروانه‌های اکتشاف و تولید که هر کدام با توجه به مناطق خشکی^۷ و دریایی^۸ احکام متفاوتی دارند. همچنین پروانه-

۶. پروانه قراردادی (Contractual License) مجوز ناشی از توافق طرفین طی قرارداد است که از زمان قصد تا پایان قرارداد غیر قابل لغو می‌باشد. مجوز و اذن ناشی از قرارداد حسب ذات خود مانع از اجازه معطی به اشخاص ثالث برای ورود به محدوده مجوز است. (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۰۳)

7. Landward



با عنوان ذخیره‌سازی گاز و کربن نیز دیده می‌شود. پروانه تولید در انگلستان خود دارای ۳ مرحله است. پروانه تولید در انتهای مرحله اول منقضی می‌شود مگر دارنده، برنامه کاری مورد توافق مربوط به این مرحله را کامل کرده و میزان ثابتی از زمین (معمولاً ۵۰ درصد) را مسترد سازد.^۹ در انتهای مرحله دوم باید برنامه توسعه توسط مقام مسئول تأیید شده، در غیر این صورت پروانه خاتمه می‌یابد. مرحله سوم صرفاً به تولید اختصاص دارد (Types of license, 2022). وجه مشترک پروانه اکتشاف خشکی و دریایی اولاً غیرانحصاری بودن آن است بدین معنی که منطقه مورد واگذاری انحصاراً در اختیار دارنده قرار نمی‌گیرد و اشخاص دیگر نیز حق اکتشاف خواهد داشت. ثانیاً مناطق مورد اکتشاف نباید از مناطقی باشد که پروانه تولید برای آن‌ها صادر شده است مگر اینکه دارنده پروانه اکتشاف در این زمینه موافقت دارنده پروانه تولید را به دست آورد.^{۱۰} ثالثاً پروانه اکتشاف، اجازه اکتشاف بدون مزاحمت^{۱۱} و نمونه-برداری را می‌دهد و مدت‌زمان آن ۳ سال است.

پروانه در کشور نروژ نیز به دو نوع اکتشاف و تولید تقسیم می‌شود. در پروانه اکتشاف، دارنده تنها حق لرزه‌نگاری را بدون حفر هیچ‌گونه چاهی دارد. برخلاف پروانه اکتشاف که غیرانحصاری است، پروانه تولید به صورت انحصاری^{۱۲} برای جستجو، حفاری‌های اکتشافی و استحصال منابع نفتی از منطقه مشخص شده در پروانه صادر می‌شود و دارنده پروانه مالک محصولات تولیدی می‌شود. Exploration policy,

8. Seaward

9. The license will expire at the end of its Initial Term unless the Licensee has completed an agreed Initial Term Work program and surrendered a fixed amount of acreage (usually 50%)

10. The Landward Exploration License grants non-exclusive rights to explore anywhere in the English onshore area that is not covered by a Landward Production License. Should the holder of a Landward Exploration License wish to explore within an area in the English onshore area that is covered by a Landward Production License, they will be required to come to an agreement with the relevant licensee(s).

11. non-intrusive exploration

12. monopoly



(2023). پروانه تولید در نروژ دارای دو مرحله است. مرحله اول فعالیت‌های اکتشافی که حداکثر ۱۰ سال و مرحله دوم مربوط به توسعه و تولید که حداکثر ۳۰ سال است. نکته جالب توجه این است که دارنده پروانه بر اساس اطلاعات به دست آمده از فعالیت‌های خود، می‌تواند از ادامه کار انصراف داده و با لغو پروانه هزینه‌های انجام شده را نیز دریافت کند. در واقع ریسک مرحله اکتشاف با توجه به قانون نفت نروژ تماماً بر عهده وزارت نفت و انرژی است. پروانه مورد بحث در کشور نروژ در مناطق فلات قاره صادر شده و کاربرد دارد. با وجود تمام سخت‌گیری‌هایی که وزارت نفت و انرژی نروژ در صدور پروانه دارد، استقبال و حضور ۲۵ شرکت نفتی^{۱۳} (Norway gets 25 applications for oil and gas licensing round , 2023) در آخرین اعلامیه واگذاری مناطق فلات قاره جهت اکتشاف در سال ۲۰۲۳ نشان‌دهنده وجود منافع و سود قابل توجه برای آن‌هاست^{۱۴} (Applicant for production licenses on the Norwegian Continental Shelf, 2023). در نروژ این وزارت نفت است که بعد از اعطای پروانه بر اساس تقاضاهای دریافتی و بدون تبعیض، اپراتور را تعیین می‌کند.^{۱۵}

۲-۳. ضرورت استفاده از پروانه در نظام حقوقی نفت و گاز کشور

انعطاف و تغییر در رویکرد و سیاست‌گذاری‌های صنعت نفت، امری معمول در اکثر کشورهای صاحب نفت است. قطعاً رویکرد ثابت و استفاده از یک نوع قرارداد و نظام حقوقی یکنواخت در زمان طولانی با توجه به تغییرات سیاسی، فنی، اقتصادی و ... تأمین‌کننده منافع کشور نیست. ایجاد تنوع در کنار نظام قراردادی برای میدان‌هایی با

13. Aker BP, ConocoPhillips, Equinor, Harbour Energy, Neptune Energy, Repsol, Shell, Total Energies and Wintershall Dea are among the companies that have applied.

14. The Ministry of Petroleum and Energy has received applications from 25 companies in connection with the announcement of APA 2023.

15. On the basis of the applications received, a production license is granted to a group of companies on the basis of objective, non-discriminatory and pre-announced criteria. The Ministry designates one operator for each production license.



شرایط خاص با هدف ایجاد انگیزه، رقابت و تسریع در سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری، اولین ضرورت و در واقع پشتوانه ایده استفاده از پروانه در صنعت نفت می‌باشد. یکی دیگر از اهداف و ضرورات استفاده از پروانه، سرعت بخشیدن به روند اکتشاف و تولید نفت و گاز باشد. طی مسیر قراردادی به گفته متصدیان امر برخی اوقات قریب به ۴ سال زمان می‌برد که این زمان غیر از ضرر و زیان و جلوگیری کشور از پیشرفت، ماحصل دیگری ندارد؛ بنابراین با ایجاد ساختار چالاکتر^{۱۶} و در میدان‌های نامتعارف یا مشترک، چه بسا بتوان این فرایند را ظرف ۶ ماه مدیریت و پروانه را صادر نمود و بحث‌های حقوقی و مالی پیچیده قبل از انعقاد قرارداد را به نظارت فنی و زیست‌محیطی حین اجرای پروانه تبدیل نمود. ضمن اینکه می‌توان در جایی که شرکت‌های چندملیتی یا داخلی مایل به ورود و سرمایه‌گذاری در میدان‌های بزرگ و پروژه‌های عموماً متعارف هستند، مسیر قرارداد طی شود زیرا حساسیت‌ها به نسبت تمایل شرکت‌ها بیشتر است ولی اگر استقبالی از طرف این شرکت‌ها با مدل قراردادی معمول در برخی میدان‌های کوچک یا نامتعارف یا مشترک صورت نگرفت، راهحل ایجاد مسیری نو برای افزایش انگیزه جهت سرمایه‌گذاری و متعاقباً افزایش کشف ذخایر و تولید نفت است. به هر حال شرکت‌های داخلی بزرگ و فراملی نخواهند نشد مگر در عرصه عمل کشور متبوع خویش. این امر منجر به سهولت ورود بخش خصوصی داخلی به صنعت بالادستی و در ادامه ایجاد انگیزه برای شرکای خارجی برای سرمایه‌گذاری مشترک با بخش خصوصی است.

در صورتی که دیدگاه نویسنده در مورد استفاده از پروانه در میدان‌های داخلی که طی چند دهه قبلی مورد استقبال شرکت ملی نفت و سرمایه‌گذاران خارجی نبوده، با مخالفت‌های کلیشه‌ای مانند بازگشت به قبل، تاراج منافع ملی، اعطای امتیاز به بیگانگان

۱۶. تبصره ۴ ماده ۲۴ قانون معادن به ایجاد پنجره واحد اشاره دارد که دستگاه‌ها را ملزم به تسریع در صدور مجوز در زمان مقرر می‌نماید.



و استیلای آن‌ها بر کشور روبه‌رو شود، دست کم این مخالفت‌ها در مورد میدان‌های مشترک جایگاهی نداشته و مشخص است که عقل سلیم بین کسب درآمد (حق‌الارض یا مالیات یا سهم) در ازای اعطای پروانه به خودی یا بیگانه و سکوت و انتظار تا برداشت منابع مشترک توسط بیگانه دیگر، کدام مورد را می‌پذیرد.

موضوع دیگر توجه کشورها به استفاده از انرژی‌های پاک و سرمایه‌گذاری‌های کلان در این راستا است. یقیناً زمانی که این پروژه‌ها به نتیجه برسند، میزانی از تقاضای انرژی را پوشش داده و متعاقباً تمایل به استفاده از سوخت‌های فسیلی کمتر می‌شود. به هر حال نه اینکه تغییر نگرش دنیا در استفاده از سوخت‌های فسیلی و تعیین زمان برای کاهش و پایان دادن به آن‌ها را خط مشی خود قرار داده در بهره‌برداری از منابع خود به هر شیوه‌ای متوسل شویم و نه اینکه نسبت به این تحولات بی‌تفاوت بوده و مسیر ۵۰ ساله قبلی را دنبال کنیم.

در مورد میدان‌های مشترک ایده اعطای پروانه در ازای دریافت مبالغ مختلف از جمله حق‌الارض، حق امتیاز، پاداش، مالیات و یا سهم در درآمد در نگاه کوتاه‌بینانه بازگشت به ۱۰۰ سال پیش است ولی با توجه نیاز کشور به سرمایه و معطل ماندن ده-ها پروژه به دلیل فقدان آن، ورود سرمایه پولی و یا تعهد به ساخت پالایشگاه و هر نوع زیرساخت دیگر برای کشور در ازای واگذاری منبعی که اسماً از آن ما ولی در واقع برداشت بیش از حد شریک نمایانگر خلاف آن است، امری غیرمنطقی نخواهد بود. در شرایط فعلی پذیرش این ایده‌ها و تلاش برای عملیاتی کردن آن‌ها، نوشیدن جامی از چشمه کوثر است و تغییر راهبرد نه‌تنها ضعف محسوب نشده بلکه نشان از درایت و قدرت تفکر به جا و موقعیت سنج مسئولین امر است.

در شیوه پروانه، وظیفه محاسبه هزینه‌ها، بازرسی‌ها و بررسی کیفیت و نوع تجهیزات و تکنولوژی مورد استفاده و سایر نگرانی در این موارد و تولید صیانتی رفع شده و چه‌بسا با توجه به ماهیت و نوع اعطای پروانه عملاً نیازی به این موارد هم نباشد زیرا بخشی از تولید میدان یا همه آن، از آن دارنده پروانه است و در این حالت



وی تمام تلاش را در راستای افزایش تولید در طولانی‌مدت می‌نماید زیرا منتفع اصلی خود اوست و بدنه وزارت نفت و شرکت ملی نفت متمرکز بر رعایت و نظارت بر اصول مقرر در پروانه شده و این اختیار را دارد تا در صورت نقض آن‌ها توسط دارنده، اقدام به تعلیق یا لغو پروانه نماید. در این حالت با واگذاری چند میدان، امکان رقابت در سایر میدان‌های محقق می‌شود. در نهایت و به عنوان جمع‌بندی این قسمت باید گفت بر اساس جزء ۵ بند پ مفاد ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱/۲/۲۷ صدور پروانه‌های اکتشاف و تولید توسط وزارت نفت امری لازم و ضروری بوده که می‌بایست با تدوین و ابلاغ ضوابط صیانتی بر پروانه‌های صادرشده و عملیات مرتبط با آن‌ها نظارت صیانتی نموده و در نهایت نیز به منظور احصاء دقیق عایدات دولت اعم از مادی (کل محصول یا بخشی از آن یا درآمد حاصل از آن - میزان نقدی ثابت - مالیات متغیر - ساخت پالایشگاه و سایر زیرساخت‌ها) یا معنوی (انتقال تکنولوژی)، بر تولیدات و صادرات دارندگان پروانه نظارت مقداری نماید.

۳. دستاورد واگذاری منابع نفتی از طریق پروانه برای طرفین

در این قسمت موضوع مهم مالکیت بر نفت و گاز، تأسیسات و تجهیزات و زمان انتقال آن‌ها به دارنده و آنچه دارنده باید در ازای این موارد و طی مسیر دریافت پروانه، به دولت بپردازد، بررسی خواهد شد.

۳-۱. دستاورد دارنده پروانه

آنچه از ماده ۱۴ قانون معدن و آیین‌نامه اجرایی آن استنتاج می‌شود این است که دارنده پروانه مالک تمام محصول استخراج شده است (امینی نسب، ۱۳۹۸، ۵) و در ازای این مالکیت موظف به پرداخت مبلغی تحت عنوان حقوق دولتی است. در مورد مالکیت بر تجهیزات در بخش معادن، مستفاد از ماده ۲۱ قانون که بیان می‌دارد: «بهره‌بردار و دارنده اجازه برداشت قبلی موظف است اموال و تجهیزات مربوط به معدن را که انتزاع



آن به تشخیص کارشناسی وزارت صنعت، معدن و تجارت موجب وارد آمدن لطمه و خسارت به معدن می‌شود به نرخ تعیین‌شده بر اساس ارزیابی کارشناس رسمی دادگستری به قیمت روز به بهره‌بردار جدید واگذار نماید. در صورت عدم واگذاری اموال و تجهیزات مربوط به معدن برابر شرایط یادشده مسئول جبران خسارت وارده خواهد بود.» می‌توان گفت که دارنده پروانه مالک تمام تجهیزاتی است که در معدن نصب کرده است و بر اساس حق مالکیت می‌تواند آن‌ها را جابه‌جا نموده و هر طور بخواهد از آن‌ها استفاده کند لکن مالکیت وی بر آن قسمت از تجهیزاتی که جداسازی آن‌ها موجب ورود خسارت به معدن است، توسط قانون‌گذار محدود شده و در چنین حالتی وی ملزم به فروش آن‌ها با قیمت کارشناسی به بهره‌بردار جدید یا پذیرش جبران خسارات ناشی از انتزاع آن‌ها از معدن است.

شاخصه کلیدی روش واگذاری منابع از طریق لایسنس، زمان انتقال مالکیت نفت و گاز به شرکت چندملیتی است که به بعد از مرحله تولید منتقل شده است. لذا هیچ شرکتی بر مخازن و نفت و گاز در جای آن‌ها مالکیتی نخواهد داشت (Hughes, 2016: 282). مطابق قانون نفت نروژ مالکیت نفت و گاز پس از تولید متعلق به دارنده پروانه است. در مورد تجهیزات و تأسیسات نفتی در قسمت ۶ ماده ۵ قانون نروژ به حق دولت به در اختیار گرفتن تأسیسات در پایان عملیات نفتی یا اتمام پروانه اشاره شده است. دولت باید تمایل به استفاده از این حق را ظرف ۶ ماه از تاریخ خاتمه پروانه اعلام کند. این ماده در ظاهر نشان‌دهنده عدم مالکیت دولت بر تأسیسات است زیرا در غیر این صورت نیازی به اعلام اراده جهت تحویل تأسیسات نبود. از طرفی دارنده ملزم به نگهداری از تأسیسات در شرایط مطلوب بوده و اگر در اثر سهل‌انگاری آسیبی به آن‌ها وارد شود، ملزم به پرداخت غرامت به دولت است. بر عکس شرایط فعلی قراردادهای نفتی کشورمان که وزارت نفت مالک تمام تجهیزات و تأسیسات از همان ابتدای عملیات است، این حق برای وزارت نفت نروژ باقی است تا در صورت ادامه تولید تجاری میدان، تصمیم به در اختیار گرفتن تجهیزات و تأسیسات را بگیرد اما به هر حال دارنده پروانه



وظیفه دارد این تأسیسات را در شرایط مطلوب نگه دارد و در صورت عدم تمایل وزارت به تحویل تأسیسات، آن‌ها را جمع‌آوری نماید. چه‌بسا مالکیت ابتدایی این تجهیزات به نفع وزارت نباشد زیرا در صورت استهلاک یا پایان ذخایر میدان، وظیفه برچیدن آن‌ها بر عهده مالک خواهد بود که مستلزم صرف هزینه زیاد است. این مطلب در ماده ۲۰ قسمت ۴ قرارداد مشارکت در درآمد هندوستان هم به همین مضمون درج گردیده است (MRSC, 2021: 54).

۲-۳. دستاورد دولت میزبان

طبق تبصره ۲ و ۳ ماده ۶ قانون معادن سال ۱۳۷۷ دو نوع عوض در ازای واگذاری پروانه از دارنده آن گرفته می‌شود که ارتباطی با کشف معدن و تولید از آن ندارد و به صرف واگذاری محدوده‌ای به متقاضی از وی اخذ می‌شود. این دو نوع درآمد در نظام حقوقی نفت و گاز ما جایگاهی نداشته و سرمایه‌گذار مکلف به پرداخت هیچ یک از آن‌ها نیست. شاید این مبالغ در حوزه نفت ناچیز به نظر بیاید، اما ثبات و دریافت زود هنگام و مستقل از کشف تجاری و تجاری‌سازی را برای دولت میزبان به دنبال دارد. ضمن اینکه دریافت این مبلغ حسب تبصره ۳ در اجرای تعهد دارنده پروانه در مورد استرداد منطقه قراردادی^{۱۷} مؤثر خواهد بود و وی را به بازگرداندن هر چه سریع‌تر مناطقی که مورد استفاده نیست، تشویق می‌کند تا از پرداخت هزینه اضافی جلوگیری گردد. مابه‌ازای اصلی در ازای اعطای پروانه بهره‌برداری معادن در ماده ۱۴ قانون بیان شده است. مطابق این ماده «دارنده پروانه بهره‌برداری باید درصدی از بهای ماده معدنی موضوع پروانه را به نرخ روز در سر معدن به صورت استخراج‌شده یا کانه‌آرایی شده یا فرآوری شده در چهارچوب بودجه مصوب به تشخیص وزارت صمت به عنوان حقوق دولتی به این وزارت پرداخت نماید. ضوابط تعیین زمان و میزان درصد یادشده با توجه به عوامل

17. Relinquishment



مؤثری همچون محل و موقعیت معدن، شرایط و موقعیت منطقه، میزان و نوع کانه‌آرایی، وضعیت ذخیره معدنی، روش استخراج، تعهدات و سود ترجیحی بهره‌بردار در آیین‌نامه اجرائی این قانون مشخص می‌شود.» عوامل متعددی در تعیین این درصد اثرگذار هستند که می‌توان از برخی آن‌ها در بخش نفت و گاز هم استفاده کرد. البته کلیت این شیوه دریافت مابه‌ازا مانند دو مورد اخیر در صنعت نفت و گاز فعلی ما جایی ندارد و اتفاقاً تقریباً بالعکس درصدی از تولید یا عواید آن برای بازپرداخت سرمایه‌گذار در نظر گرفته می‌شود.

در نروژ در ازای اعطای پروانه به متقاضی، مبالغی از وی گرفته می‌شود. مطابق قسمت ۱۰ ماده ۴ قانون نفت نروژ یکی از این هزینه‌ها، حق‌الارض^{۱۸} است که به نسبت کیلومترمربع اراضی در اختیار دارنده پروانه در دوره اکتشاف دریافت می‌شود. این مبلغ می‌تواند انگیزه‌ای برای دارنده باشد تا سریع‌تر مرحله اکتشاف را به پایان رسانده و وارد مرحله توسعه و تولید شود تا از پرداخت آن معاف شود^{۱۹} (Production licenses, Licensing rounds.2023). مشابه این مبلغ در انگلستان با عنوان اجاره^{۲۰} به صورت سالیانه از دارنده پروانه تولید اخذ می‌شود. علاوه بر این، به همراه درخواست جدید پروانه اکتشاف خشکی و دریایی در انگلستان، متقاضی باید مبلغی حدود ۲۵۰۰ پوند را بپردازد.^{۲۱} همچنین هزینه‌های دیگری نیز مانند هزینه انتقال پروانه در انگلستان از دارنده پروانه تولید گرفته می‌شود. تأخیر بیش از ۳۰ روز از تاریخ سررسید این پرداخت‌ها، مشمول بهره ۵ درصد به نرخ بانک انگلستان خواهد شد و

18. Area fee

19. Area fees provides an incentive for companies to move from discoveries to development and production in the areas for which they have been awarded licences. The fees are payable each year per square kilometre of the area covered by a production licence. No area fee is paid for areas that are being actively explored or where there is production.

20. Each Production licence carries an annual fee, commonly called a rental

21. For both a Seaward Exploration Licence and Landward Exploration Licence, there is a £2,460 fee per new application associated that must be paid before the licence can be granted



مقام مسئول این حق را دارد در صورت عدم پرداخت، پروانه را ابطال نماید. ضمن اینکه مبلغ دیگری که دارنده ملزم به پرداخت آن است و می‌توان آن را نوعی مالیات دانست، وابسته به میزان و ارزش نفت تولیدی در نقطه مورد نظر برای تحویل است. نکته مهم برای دولت صاحب منابع، داشتن این حق است که بتواند این مالیات را به دلخواه به صورت نفت دریافت کند. به این حق نیز در ماده مزبور توجه شده و وزارت نفت نیرو می‌تواند با اعلام قبلی ۶ ماهه، تمام یا قسمتی از مبلغ را به صورت نفت طلب کند. به این ترتیب، دیگر نگرانی بابت تأمین نیاز داخل یا فروش به نحو احسن توسط دولت یا در نظر گرفتن مسائل غیرمالی از جمله روابط سیاسی وجود نخواهد داشت.

۴. تعهدات و ضمانت اجرای نقض آن‌ها

در این قسمت اهم تعهدات دارنده پروانه و انواع ضمانت اجرا در صورت نقض هر یک از آن‌ها به تفکیک نظام حقوقی معادن، انگلستان و نیروژ بررسی و تحلیل می‌شود.

۴-۱. تعهدات دارنده و ضمانت اجرای نقض آن‌ها در نظام معدن ایران

جهت الگوپذیری از ماده ۲۰ قانون معادن که مقرر می‌دارد: «وزارت صنعت، معدن و تجارت به دارندگان مجوزهای اکتشاف و بهره‌برداری و اجازه برداشت که به تعهدات خود عمل ننمایند با تعیین مهلتی مناسب اخطار می‌کند تا تعهد خود را ایفاء نمایند. در صورتی که اشخاص مزبور در انقضای مهلت مقرر اقدامی ننمایند و یا اقدام انجام‌شده کافی نباشد، با تأیید شورای عالی معادن ملزم به پرداخت خسارات ناشی از عدم انجام تعهدات مربوط می‌شوند و یا در نهایت برای ادامه عملیات مربوط فاقد صلاحیت شناخته می‌شوند. انجام این عمل در اعتبار پروانه بهره‌برداری و یا حقوق اشخاص ثالث تأثیری ندارد.» پاسخ به چند سؤال ضروری است. نخست اینکه منظور از تعهدات دارندگان مجوز چیست و آیا این تعهدات محصور هستند یا از موردی به موردی دیگر متفاوت و دامنه آن‌ها غیرقابل احصا است؟ دوم اینکه تأثیر فاقد صلاحیت شناخته شدن



دارنده پروانه چیست؟ پاسخ این سؤالات را می‌توان در آیین‌نامه اجرایی قانون پیدا نمود. ماده ۵۵ آیین‌نامه به نحوی بیان‌کننده تعهدات است اما به طور بیان مخالف. در واقع این ماده موارد ضمانت اجرای ماده ۲۰ قانون را می‌شمارد که این موارد همان نقض تعهدات هستند؛ بنابراین با معکوس نمودن آن‌ها، تعهدات مشخص می‌شوند. این تعهدات عبارتند از: ۱. رعایت مفاد قانون، این آیین‌نامه و دستورالعمل‌های صادره از سوی وزارت، ۲. رعایت آیین‌نامه ایمنی معادن، ۳. بهره‌برداری و استخراج سالانه به مقدار تعیین‌شده در طرح مصوب با رعایت مفاد این آیین‌نامه، ۴. پرداخت حقوق دولتی در مهلت مقرر، ۵. انجام سایر تعهدات ذکرشده در متن مجوز صادره و ۶. عدم تضییع و تخریب ذخایر معدنی به تشخیص وزارت. این تعهدات را به طور کلی می‌توان به دو دسته قانونی_ آیین‌نامه‌ای (عام) و به نوعی قراردادی (بر اساس پروانه) تقسیم کرد. با توجه به ماده به نظر می‌رسد تعهدات مزبور حصری نباشند و بتوان موارد دیگری را نیز با درج در متن مجوز به عنوان تعهد در نظر گرفت. ضمناً در صورت نقض هر یک از این تعهدات و فاقد صلاحیت شناخته‌شدن دارنده، مطابق بند ۵۴ آیین‌نامه، معدن از ید بهره‌بردار منتزع می‌شود. در واقع وزارت صمت حق دارد در صورت عدم رعایت هر یک از این موارد توسط دارنده، پروانه را لغو و معدن را از دسترس وی خارج گرداند.

البته باید دقت کرد که مطابق ماده ۲۰ قانون ضمانت اجرای نقض تعهدات سه لایه است: در مرحله اول دارنده پروانه اخطار انجام وظایف گرفته، در صورت عدم اقدام، یا باید خسارت پرداخت کند و یا صلاحیت ادامه عملیات را از دست می‌دهد که به نظر می‌رسد با توجه به عبارت «در نهایت» رد صلاحیت باید پس از اخذ خسارت باشد، یعنی نمی‌توان بدون انجام مرحله الزام به پرداخت خسارت، فقدان صلاحیت دارنده را اعلام کرد. یکی از مسائلی که حائز اهمیت است تفاوت تعهدات و نقض آن‌ها در پروانه معادن و پروانه نفت و گاز است. شاید بتوان نقض تعهدات دارنده پروانه بهره‌برداری معادن را با دریافت خسارت جبران نمود اما نقض برخی تعهدات در مورد میدان و



چاه‌های نفتی با توجه به سیال بودن نفت و وجود ریسک در مخازن یا نقض تعهدات مربوط به حفظ محیط زیست و آلودگی آن، اولاً به راحتی قابل محاسبه نباشد و ثانیاً چه بسا عدد و رقم آن به حدی بالا باشد که پیمانکار و یا بیمه‌گران قادر به جبران آن‌ها نباشند. ضمن اینکه از آنجایی که در نفت و گاز زنجیره تولید مطرح است و دولت و دارنده پروانه هر کدام شاید مصرف‌کننده نهایی تولیدات نباشد و آن را جهت مصرف در پالایشگاه‌ها و خوراک پتروشیمی‌ها طی قراردادهای بلندمدت به فروش برسانند، هر گونه نقض تعهدی که تولید را تحت شعاع قرار دهد، این زنجیره را به مخاطره انداخته و بر آن تأثیر منفی می‌گذارد. نکته بعدی در مورد تفاوت نقض تعهدات معدن و نفت، قابلیت برکناری یا تعلیق یا تغییر یا حتی توقف عملیات در معدن و از سرگیری دوباره فعالیت توسط دارنده اصلی یا دیگری است بدون اینکه به تولید در ادامه کار لطمه‌ای وارد شود یا هزینه‌ای مازاد بر هزینه‌های قبلی نیاز باشد در صورتی که این امر در مورد مخازن نفتی با توجه به تکنولوژی و برنامه به کار گرفته شده توسط هر شرکت و همچنین موضوع حفظ فشار مخازن و تولید سیانتی در بلندمدت، به راحتی و بدون صرف هزینه‌های بالا میسر نیست. ضمن اینکه تمام این مسائل در میدان‌های مشترک اهمیت دوچندان یافته و هر گونه تأخیر و نقض تعهد، صدمات جبران‌ناپذیری به میزان تولید در آینده خواهد زد مانند آنچه از رفتار توتال در پارس جنوبی به عنوان خیانت یاد می‌شود.

۴-۲. تعهدات دارنده و ضمانت اجرای نقض آن‌ها در انگلستان

قانون نفت ۱۹۹۸ انگلستان، قانونی مفصل و با جزئیات تمام است. علاوه بر قانون، نمونه پروانه‌های موجود در انگلستان نیز تعهدات زیادی را برای دارنده در نظر می‌گیرند. با بررسی نمونه‌ای از لایسنس‌های اعطاشده در انگلستان شاهد این هستیم که تعهدات متعددی در این لایسنس‌ها مطرح و جزئیاتی مورد اشاره واقع شده که در معمول قراردادهای بالادستی دنیا وجود دارند و نیز بعضاً به قوانین مرتبط ارجاع داده



شده است. اولین تعهد از تعهدات دارنده پروانه نفت و گاز در انگلستان که نشانی از آن در قوانین و مقررات معادن نیست، موضوع یکپارچه‌سازی^{۲۲} یا توسعه یکپارچه است که هم در نمونه قرارداد آی پی سی و هم در نمونه لایسنس انگلستان تحت عنوان unit development ذکر شده و دارندگان پروانه را مکلف می‌سازد در صورتی که معلوم شود در حال فعالیت بر روی یک میدان هستند، در راستای حفظ منافع ملی و جلوگیری از رقابت و آسیب به میدان، به صورت مشترک و واحد میدان را توسعه و تولید نمایند. تعهد دوم که در پروانه معادن پررنگ نیست و در ماده ۳۲ پروانه انگلستان و سایر مدل‌های واگذاری منابع هیدروکربوری مورد توجه است، موضوع محرمانگی داده‌ها و گزارش‌های مربوط به میدان است که دارنده پروانه ملزم به حفظ و عدم افشای آن‌ها جز در موارد خاص است. وظیفه سوم دارنده پروانه، تعهد به پرداخت مبالغی است که وی باید بر اساس پروانه و در بازه‌های زمانی مختلف ایفا نماید. در صورتی که این تعهد توسط دارنده نقض شود، نهاد مربوط در انگلستان مطابق ماده ۳۶ پروانه حق دارد تا اموال و تجهیزات مربوط به دارنده را توقیف و به فروش رساند و پس از کسر پرداخت‌های معوق، مابقی را در صوت وجود به دارنده بدهد.^{۲۳} در واقع هدفی که در بخش معادن ایران با اخذ تضامین و در صورت نقض تعهد با ضبط آن‌ها مورد نظر بوده است در انگلستان از طریق ضبط و فروش اموال متعلق به دارنده پروانه که در پروژه استفاده می‌شود، دنبال شده است. چهارمین تعهد مهمی که در تمام نظام‌های واگذاری منابع هیدروکربوری بنا به اقتضا به صورت مختصر یا مفصل وجود دارد، موضوع مصون‌سازی^{۲۴} وزارت نفت یا نهادهای دولتی طرف قرارداد در مقابل ادعاهای اشخاص ثالث و طرح شکایت و حضور در مراجع قضایی و ... توسط سرمایه‌گذار یا دارنده پروانه است. مطابق ماده ۳۸ لایسنس ۲۰۱۴ از آنجایی که گستره عملیات در

22 -Unitization

23. Right of distress

24. Indemnity against third party claims



بخش بالادستی وسیع و نتایج اعمال دارنده پروانه ممکن است برای اشخاص ثالث ایجاد حق و ادعا نماید، دولت میزبان با توجه به منفعل بودن در پروانه وظیفه پاسخگویی و احتمالاً مسئولیت‌های ناشی از آن را بر عهده دارنده پروانه قرار می‌دهد. یکی از مواد مفصل در پروانه انگلستان، موضوع اختیار لغو پروانه^{۲۵} توسط نهاد مربوط است. این اختیار به طور کلی و جزئی در ماده ۴۱ در صورت نقض برخی تعهدات در نظر گرفته شده و مصادیق آن نیز به طور حصری بیان گردیده‌اند. مطابق ماده مزبور با لغو پروانه توسط وزیر، تمام حقوق دارند آن از بین می‌رود لکن تعهدات و مسئولیت‌هایی که بر اساس مفاد پروانه ایجاد شده است، به قوت باقی است. موارد لغو عبارتند از: عدم پرداخت مبالغ طبق ماده ۱۲ یا تعویق آن حداکثر دو ماه بعد از تاریخ پرداخت، هر گونه نقض و عدم رعایت شرایط و ضوابط مشخص‌شده در این لایسنس توسط دارنده، ورشکستگی یا توقیف دارنده لایسنس در حوزه قضایی بریتانیای کبیر، انعقاد قرارداد ارفاقی بین دارنده با طلبکاران یا هر گونه ترتیب دیگر در حوزه قضایی بریتانیای کبیر، انتصاب مدیر تصفیه برای شرکت یا انحلال شرکت چه اجباری و چه اختیاری در حوزه قضایی بریتانیای کبیر، شروع به اقدام یا انتصاب منطبق بر هر یک از سه مورد قبلی در حوزه قضایی غیر بریتانیای کبیر، هرگونه نقض یا عدم رعایت شرایط و مفاد برنامه توسعه توسط دارنده، توقف و منع شرکت دارنده پروانه از هدایت و کنترل عملیات تحت پروانه یا هرگونه فعالیت تجاری مرتبط با آن، نقض بند ۲ ماده ۴۰ که مطابق آن دارنده نباید قراردادی را جهت فروش نفت و انتقال مالکیت تا قبل از استخراج و دسترسی به آن با دیگری منعقد کند مگر اینکه مواد و شرایط قرارداد فروش مورد تأیید کتبی وزیر باشد.^{۲۶} مطابق این ماده حق لغو جزئی

25. Power of revocation

۲۶. البته این موضوع دو استثنا دارد. اول انعقاد قرارداد با شرط پرداخت قیمت نفت بعد از استخراج آن. دوم انعقاد قرارداد معاوضه نفت منطقه قراردادی بعد از استخراج با نفت دیگر.



نیز به دو نوع اعمال می‌گردد: اول در حالتی که دارندگان چند شخص باشند، نسبت به یکی از دارندگانی که موارد بالا را نقض کرده باشد. دوم نسبت به غیر از مناطقی موسوم به منطقه نگهداری یا منطقه توسعه^{۲۷} در واقع وزارت اختیار دارد پروانه را نسبت به مناطقی که تحت نگهداری یا عملیات توسعه دارنده نیست، با اعلام قبلی لغو نماید.

۳-۴. تعهدات دارنده و ضمانت اجرای نقض آن‌ها در نروژ

قانون نفت نروژ^{۲۸} که اصلی‌ترین و مهم‌ترین سند مدیریت و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز این کشور است، دارای ۱۲ فصل دربردارنده همه مواردی است که در طی عملیات نفتی قابل طرح و حافظ منافع کشور هستند و آیین‌نامه^{۲۹} آن نیز شامل ۱۰ فصل با تفصیل بیشتر ساز و کار اجرای آن را مشخص می‌نماید (مرکز پژوهش مجلس، ۱۳۹۷، ۶). از تعهدات مهم دارنده پروانه مطابق قوانین نروژ، ارائه برنامه توسعه میدان ظرف زمان معین است. در غیر این صورت یا عدم اصلاح برنامه ظرف ۶ ماه، پروانه لغو می‌شود. همچنین دارنده پروانه موظف به ارائه گزارش‌های روزانه، ماهانه و سالانه به اداره نفت نروژ است. مطابق با آیین‌نامه معادن نیز، عدم ارائه گزارش پایان عملیات اکتشاف در هر مرحله توسط دارنده منجر به لغو خودکار پروانه بدون جبران هزینه‌ها می‌گردد. (ماده ۲۲ آیین‌نامه و تبصره آن). تعهد بعدی، عدم انتقال پروانه به دیگری است. معمولاً قوانین و مقررات شرایط خاصی را جهت محدود نمودن انتقال پروانه به دیگران در نظر می‌گیرند زیرا این پروانه پس از طی مراحل متعدد و گزینش‌های لازم به دارنده داده شده و انتقال آن بدون در نظر گرفتن این شرایط، نقض غرضی است که اتمام موفقیت‌آمیز پروژه را به مخاطره می‌اندازد. در نروژ انتقال پروانه تولید یا بخشی

27 Retention Area or a Development Area

28. Act 29 November 1996 No. 72 Relating to Petroleum Activities

29. Regulations to Act Relating to Petroleum Activities. Laid Down by Royal Decree 27 June 1997.



از آن نیازمند مجوز وزارت نفت و انرژی است^{۳۰} (LICENSES, 2024). در انگلستان در حالتی که دارنده پروانه از ابتدا یک شخص نیست و در ادامه یکی از این اشخاص می‌خواهد حق خود یا منافع ناشی از آن را به شریک دیگر واگذار نماید، حتی چنین انتقالی نیز مشمول رعایت شرایط و کسب اجازه نهاد دولتی مسئول است. ماده ۲۱ آیین‌نامه معادن نیز در مورد انتقال پروانه اکتشاف محدودیت تعداد انتقال را در نظر گرفته و تنها یکبار آن را قابل انتقال دانسته، آن هم با پذیرش تعهدات انتقال‌دهنده و دارا بودن حداقل توان فنی و مالی لازم و در نهایت موافقت وزارت صمت.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به اهداف استفاده از پروانه و درک ضرورت آن در وضعیت فعلی، می‌توان با دیدی عمیق‌تر و گذر از شکل موضوع، نتیجه آن را مد نظر قرار داد، نتیجه‌ای که می‌تواند علاوه بر ایجاد انعطاف و پویایی در نظام حقوقی صنعت نفت کشور، سرمایه‌گذاری را افزایش داده و متعاقباً تولید و کسب سود را بیشتر نماید. پس از اقبال به استفاده از روش پروانه، چالش نخست ما در مواجهه با آن، مجموعه قوانین عام و پراکنده نفت و گاز است که جز کلیات و بعضاً اصول، موارد دیگری از آن برداشت نمی‌شود. در حال حاضر هر آنچه طرفین می‌خواهند باید در قرارداد مطرح شده و جنبه‌های مربوط به محرمانگی و نیاز به مذاکره طولانی در هر میدان و مخزن مانع شکل‌گیری الگوی واحد و در دسترس تمام سرمایه‌گذاران می‌گردد و متعاقباً زمان انعقاد قرارداد را طولانی و مواد آن را بسیار و مفاد آن را پیچیده می‌سازد. به نظر می‌رسد اگر به دنبال پروانه‌ای نظیر معادن و با همان اختصار هستیم، ابتدا باید پشتوانه قانونی آن را ایجاد کرده و سپس بر مبنای آن پشتوانه و بر اساس موقعیت خاص هر

30. Transfer of a production license or of a share of a production license must be approved by the Ministry



میدان اقدام به صدور پروانه نماییم. در وهله اول نیاز است همان‌طور که قانون‌گذار در قانون نفت و دولت در شرایط عمومی و ساختار قراردادهای بالادستی موارد مهم و پرکاربرد را تعریف کرده‌اند، تعریفی از پروانه ارائه شده و در گام بعدی اصول حاکم بر آن و تعهدات طرفین و ضمانت اجرای نقض آن‌ها را تبیین نماید. قانون معادن و آیین‌نامه اجرایی آن می‌تواند راهنمای مناسبی برای ایجاد ساختارهای مربوط به پروانه در بخش نفت و گاز باشد اگرچه انطباق صد در صدی این دو نظام بر یکدیگر کار درستی نیست و نادیده پنداشتن تفاوت‌های مهمی از جمله مسائل مربوط به مخاطرات زیست محیطی، میزان سرمایه‌گذاری و ریسک‌های حاصل از آن، استفاده از تکنولوژی به روز، نیاز به انعطاف در طول مدت اجرای قرارداد، بازاریابی و فروش محصولات و ... مشکلاتی را در مرحله اجرا و عملیات ایجاد می‌کند.

مطالعه تطبیقی نشان داد آنچه در کشورهای انگلستان و نروژ اجرا شده دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با مدل معدن در ایران است. اشتراکات برداشت‌شده از بررسی هر سه نظام حقوقی با وضعیت فعلی نظام حقوقی حاکم بر نفت و گاز کشور منطبق نبوده و برای استفاده از آن‌ها نیاز به اصلاح این ساختار است. ساختاری که بیش از ۵۰ سال بر یک رویه جلو رفته و ریسک تغییر و اصلاح بنیادی یا ایجاد مدلی جدید را به هر دلیلی نپذیرفته است. اگر بپذیریم که میدان‌های ما متنوع هستند، ابزار جذب سرمایه‌گذار نیز باید متنوع تعریف شود و الا یک ابزار در تمام مواقع قابل استفاده نیست. قطعاً مدل آی پی سی با توجه به شنیده‌ها مفید و کارا بوده اما به هر حال تحریم این کارایی را کمرنگ کرده، نیاز به مدلی است که از یک طرف با وجود تحریم برای سرمایه‌گذاران خارجی جذاب‌تر باشد. اگر بتوان آن قدر نظام حقوقی نفت و گاز کشور را منعطف و در عین حال قوی ساخته و ابزارهای نظارتی و کنترلی را تقویت نماییم، پیشنهاد استفاده از هر دو مدل مبتنی بر قرارداد خدمت و پروانه بهره‌برداری دور از ذهن نباشد و محملی را برای تفکر و تأمل مسئولین و دغدغه‌مندان حوزه انرژی و مدافع منافع عمومی کشور ایجاد نماید.

اگرچه لایسنس، شکل امروزی قراردادهای امتیازی است ولی با توجه به تحول آن



متناسب با منافع کشورهای میزبان و در صورت وجود زیرساخت‌های مناسب، می‌تواند کارآمد و قابل استفاده در نظام حقوقی ایران باشد. همان‌طور که اغلب صاحب‌نظران حوزه حقوق نفت و گاز معتقدند عنوان قرارداد چیزی جز پوسته ظاهری نیست و شاید خیلی در جذب یا دفع سرمایه‌گذار مؤثر نباشد بلکه رژیم مالی حاکم بر قرارداد است که به آن عنوان و ظاهر، معنا می‌بخشد. می‌توان پروانه را قراردادی دانست که به موجب آن یک طرف (دارنده پروانه) مالک محصول استخراج شده یا عواید فروش آن از منطقه معین در مدت زمان معین در ازای پرداخت مبالغ مختلف به طرف دیگر (دولت) در چهارچوب رعایت قوانین مربوطه می‌شود. اگرچه مالکیت نفت تولیدی و تجهیزات در حالت عادی از آن دارنده پروانه است لکن این حق برای وزارت نفت و دولت وجود دارد تا با اعلام قبلی و بدون رضایت دارنده پروانه بتواند مالک کل نفت تولیدی و تمام تجهیزات و تأسیسات شود. در صورت نقض قوانین و مقررات مربوطه و تعهدات مزبور در متن پروانه، ضمانت اجراهای مختلفی از جمله اخطار انجام تعهد، پرداخت خسارت ناشی از عدم انجام تعهد، جریمه مالی، انجام وظایف دارنده پروانه توسط دولت به حساب دارنده، ضبط اموال و نهایتاً لغو پروانه قابل پیش‌بینی است.

۶. منابع

۱-۶. منابع فارسی

۱. امینی نسب، حمزه و عباس میرشکاری (۱۳۹۸). «ماهیت و اوصاف قرارداد بهره‌برداری از معدن»، دو فصلنامه علمی پژوهشی دانش حقوق مدنی، سال هشتم، شماره ۲، صص ۱۰-۱.
۲. طباطبایی بافقی، سید علیرضا (۱۳۹۳). ماهیت و آثار حقوقی پروانه نفتی در تنظیم روابط بین کشور میزبان، شرکت بین‌المللی نفتی و شرکت ملی نفت، پایان‌نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
۳. قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱



۴. قانون اصلاح قانون نفت مصوب ۱۳۹۰
۵. قانون معادن ۱۳۷۷ با اصلاحات بعدی و آیین‌نامه آن
۶. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۷). «بررسی قانون نفت نروژ از منظر نحوه واگذاری میدان‌های نفت و گاز» معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی، دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن، صص ۱-۲۶

۲-۶. منابع انگلیسی

1. Act 29 November 1996 No. 72 Relating to Petroleum Activities (Norway), <https://www.sodir.no/en/regulations/regulations/petroleum-activities> (last visit 29/03/2024)
2. Applicant for production licenses on the Norwegian Continental Shelf .29/08/2023 <https://www.regjeringen.no/en/aktuelt/applicant-for-production-licenses-on-the-norwegian-continental-shelf/> (last visit 29/03/2024)
3. Exploration policy. (2023). Available at: <https://www.norskpetroleum.no/en/exploration/exploration-policy/> (last visit 29/03/2024)
4. Hughes, William E(2016), *Fundamentals of International Oil and Gas Law*, PennWell Corporation, Tulsa, Oklahoma
5. LICENSES , 2024, <https://www.norskpetroleum.no/en/facts/licenses/> (last visit 29/03/2024)
6. MODEL REVENUE SHARING CONTRACT (MRSC) BETWEEN THE GOVERNMENT OF INDIA AND XYZ LIMITED, 2021. https://mopng.gov.in/files/Whatsnew/Draft_MRSC_OALP.pdf
7. Norway gets 25 applications for oil and gas licensing round , 2023 . <https://www.offshore-technology.com/news/norway-oil-gas-licencing-round/> (last visit 29/03/2024)
8. Petroleum Licensing (Exploration and Production- Landward Areas) Regulations 2014. UK. <https://www.legislation.gov.uk/uksi/2014/1686>
9. Petroleum act 1998 England <https://www.norskpetroleum>.



- no/en/facts/licenses
10. Production licenses, Licensing rounds , 10/07/2023 , <https://www.sodir.no/en/facts/production-licenses/> (last visit 29/03/2024)
 11. Regulations to Act relating to petroleum activities. 1997 , <https://www.sodir.no/en/regulations/regulations/petroleum-activities/> (last visit 29/03/2024)
 12. THE PETROLEUM ACT AND THE LICENSING SYSTEM ,2023, <https://www.norskpeteroleum.no/en/framework/the-petroleum-act-and-the-licensing-system/> (last visit 29/03/2024)
 13. Types of license. 2022, <https://www.nstauthority.co.uk/Regulatory-Information/licensing-and-consents/types-of-license/> (last visit 2/04/2024)





Comparative study of the rights and obligations of the parties to the exploitation license oil fields in Iran, Norway and England

Mohammad reza Afshari*

Oil and Gas Law, Assistant Professor of Petroleum University of Technology,
Tehran Petroleum Faculty, Tehran, Iran

Receive: 2024/04/17

Accept: 2024/05/22

Abstract

Mentioning the title of exploitation license in the Law on Duties and Powers of the Ministry of Petroleum can create a new structure for handing over the country's oil and gas fields, but Since there is no definition of the license, how it is granted, compensation and obligations of the holder, to compensate for this gap, In this study the title of the license as stated in the legal system of Iranian mines and oil and gas laws of countries such as Norway and England was examined and according to the necessity of creating diversity and flexibility in the model of exploitation of oil resources according to the conditions of the country's fields and the predictions regarding the increase in favor of clean energy, The result shows the necessity and positive effect of using the license subject to making changes in the laws and preparing specific regulations related to it and providing the necessary infrastructure to monitor it.

Key words: England, license, mining, Ministry of Petroleum, Norway, oil and gas

* Corresponding Author's Email: m.afshari@put.ac.ir